

شناخت زنان روستایی با کاربرد روش تحقیق کیفی

عبدالرضا اسدی*

چکیده

کاربرد روش‌های کیفی و مشارکتی در مسائل توسعه روستایی نشان می‌دهد با این روش‌ها نیز می‌توان به نتایجی مشابه روش‌های کمی با ژرفانگری بیشتری دست یافت. مقاله حاضر براساس یافته‌های پژوهشی که با استفاده از روش ارزیابی به شیوه مشارکتی انجام شده، تنظیم گردیده است. این پژوهش با هدف شناخت و دستیابی به اطلاعات در چهار محور اساسی در حوزه مطالعات زنان در منطقه گرمسار در طی سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان دهنده گستردگی کار و فعالیت زنان روستایی، شناخت قابل تحسین آنها از شرایط محیطی و عوامل تخریب کننده محیط زیست و مشارکت اندک آنها در تصمیم‌گیری‌های جمعی جامعه روستایی است. بدین ترتیب با روش‌های کیفی نیز می‌توان در موارد زیر اطلاعات لازم را بدست آورد: (۱) شناخت زنان روستایی از محیط پیرامونی خود، (۲) شناخت فعالیت‌های آنان، (۳) چگونگی مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری و (۴) شناخت نیازها، مشکلات و اولویت‌بندی آنها.

کلید واژه

تحقیق کیفی / روش / شناخت / مشارکتی / مطالعات زنان روستایی

* دارای کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی - کارشناس مسؤل برنامه همیاران سلامت روان، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی

مقدمه

پژوهشگران علوم اجتماعی و به خصوص محققان جامعه‌شناسی روستایی امروزه از روش‌های کیفی و مشارکتی در پژوهش‌های علمی-کاربردی خویش بهره می‌برند. زیرا از سویی توجه به مشارکت مردمی در برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و شناخت نیازها و اولویت‌های مردم امکان دسترسی به اطلاعات دقیق از زندگی روزمره آنان را در دستور کار هر پژوهشگری قرار می‌دهد، و از سوی دیگر توجه به نیازهای تمامی افراد در جوامع روستایی بر اهمیت و ضرورت کاربرد روش‌های کیفی در تحقیق می‌افزاید. بدیهی است که مردم را نمی‌توان یک گروه متجانس و همگن دانست، بلکه این عنوان شامل مردان، زنان، دختران، پسران، کودکان، جوانان و نیز فقیران و ثروتمندان و ... است. بنابراین، شناخت نیازها و مشکلات زنان جامعه روستایی، آگاه‌سازی آنها از منابع موجود و امکاناتی که در اختیار دارند، توانمندسازی آنها برای استفاده بهینه از منابع با شیوه‌هایی که خود مطرح می‌کنند و تصمیم می‌گیرند، از اولویت‌های هر فعالیت پژوهشی و برنامه توسعه‌ای در جامعه روستایی است. (شادی‌طلب، ۱۳۷۸).

از مجموع روش‌های کیفی پژوهش روستایی، ارزیابی به شیوه مشارکتی^۱ بیشتر در کانون توجه قرار دارد. این روش در پی نارضایتی از الگوهای کلاسیک مطالعه در جامعه‌شناسی روستایی رواج یافته است. روش ارزشیابی مشارکتی از جمله شیوه‌هایی است که تعامل میان ارائه‌کنندگان اطلاعات (مردم روستایی) و دریافت‌کنندگان اطلاعات (پژوهشگران) را فراهم می‌نماید. به این معنا که شیوه‌های فوق روش‌های تعاملی هستند که مشارکت روستاییان را در کنار پژوهشگران و کارشناسان اجرایی توسعه در اولویت قرار می‌دهند. روش‌های پژوهش کیفی به تدریج کاربرد بیشتری در علوم انسانی به ویژه علوم اجتماعی یافته است و یکی از موارد استفاده از آن در حوزه پژوهش و مطالعات زنان می‌باشد. در این مقاله پس از طرح مباحث نظری و روش‌شناسی با توجه به کاربرد یکی از روش‌های پژوهشی به ارائه تجربه‌ای از نتایج بکارگیری این روش در مطالعات زنان روستایی ایران (منطقه گرمسار) و یافته‌های

۱. Participatory Rural Appraisal (PRA)

پژوهشی آن اقدام می‌شود. این پژوهش با هدف شناخت و دستیابی به اطلاعات در چهار محور اساسی: (۱) شناخت زنان روستایی از محیط پیرامونی خود، (۲) شناخت فعالیت‌های آنان، (۳) چگونگی مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری و (۴) شناخت نیازها، مشکلات و اولویت‌بندی آنها. انجام شده است. همچنین کاربرد روش تحقیق مشارکتی در فرایند بحث‌های گروهی^۱ یافته‌های مهمی بدست داده که حاکی از متناسب بودن روش‌های کیفی در مطالعات زنان در ایران است.

هدف پژوهش

این پژوهش با اهداف زیر انجام شده است:

۱. شناخت میزان آگاهی زنان روستایی از شرایط و محیط خود تغییراتی که در محیط پیرامونی آنها رخ داده است.
۲. شناخت فعالیت‌های زنان روستایی، موارد همیاری‌ها و تقسیم‌کار جنسیتی در روستا.
۳. شناخت چگونگی مشارکت زنان در فرایند تصمیم‌گیری‌های جمعی روستا.
۴. تشخیص نیازهای زنان روستایی و تعیین اولویت‌های آن توسط خود آنها.

• فرایند پیدایش و تکوین روش

در تجربیات مربوط به دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۸۰، توسعه روستایی در چارچوب پروژه‌هایی که جهت‌گیری، طراحی و تصمیم‌گیری در مورد آنها توسط کارشناسان خارج از روستا و از طریق مشاهدات کوتاه مدت از مناطق روستایی انجام می‌گرفت در اولویت قرار داشت. کاربرد چنین فرایندی باعث شد که منتقدان به پدیده توریسم روستایی^۲ توجه کنند. فرایندی که طی آن کارشناسان مانند یک گردشگر به بازدیدهای کوتاه مدت از مناطق روستایی می‌پرداختند و به علت کمی وقت قادر به شناخت فرهنگی جامعه مورد نظر و کسب اطلاعات لازم نبودند. از اینرو یکی از بنیادی‌ترین

۱. Discussion Groups

۲. Rural Development Tourism

دگرگونی‌هایی که در اواخر دهه ۱۹۸۰ در نظریه توسعه رخ داد، تاکید بردانش و شناخت جامع روستاییان از محیط خود بود.

در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، این باور که افراد خارج از روستا به عنوان کارشناسان توسعه از کلیه مسایل اطلاع دارند و راه حل بالقوه تمام مسایل را در اختیار دارند، جای خود را به پذیرش اهمیت مهارت‌های روستاییان داد. در ساختار سنتی توسعه روستایی، دامنه در نظر گرفته شده برای مشارکت روستاییان بسیار محدود بود و اتخاذ تصمیم‌ها و اختصاص منابع در خارج از روستا صورت می‌گرفت. بندرت به عقاید و نظرات روستاییان توجه می‌شد و حتی در تصمیم‌گیری‌ها بجز موارد استثنایی، کمتر امکان حضور و دخالت روستاییان وجود داشت. در رویکردهای سنتی توسعه، مردم محلی و روستایی نقش فعالی نداشتند ولی با تحول تدریجی در روند مذکور ابتدا استفاده از نیروی کار روستاییان و سایر منابع همراه با کنترل بیرونی مورد توجه قرار گرفت. در مرحله بعد مفهوم مشارکت از منظر تحلیل افراد محلی نیز در نظر گرفته شد که اصول آن بحث و گفتگو با مردم محلی و برنامه‌ریزی مشترک و تهیه منابع، تسهیلات و تأسیس نهادهای مورد نیاز برای اجرای برنامه خارج از روستا بود. در نتیجه طی دهه ۱۹۸۰ این باور قوت گرفت که برای دستیابی به راه‌های مناسب در مورد مسایل و مشکلات قشرها و گروه‌های روستایی، باید به خود آنها رجوع کرد. (Jones, 1996: 9)

در برداشت و رویکرد جدید از روش‌های مشارکتی توسعه این باور را که قشرهای روستایی درک و فهم روشنی از وضعیت خود دارند و مشارکت فعالانه آنان برای تحقق توسعه پایدار ضرورت دارد، قوت بخشید. این تغییر به معنای مشارکت بیشتر و موثرتر در مراحل مختلف برنامه‌های توسعه، از مرحله تصمیم‌گیری تا اجرا و ارزیابی‌ها تلقی می‌شود. در دهه ۱۹۹۰ از نظر روش شناختی در واکنش به سوگیری‌های ناشی از تکنیک‌ها و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در جوامع روستایی، پس از طرح و پذیرش اهمیت توسعه پایدار^۱، روش ارزیابی مشارکتی روستایی^۲ مورد توجه قرار

۱. Sustainable Development

۲. Participatory Rural Appraisal

گرفت. این روش نیز با الهام از تحلیل‌های مبتنی بر انسان‌شناسی کاربردی، پژوهش‌های میدانی در نظام زراعی و ارزیابی سریع روستایی و رویکرد پژوهش مبتنی بر مشارکت عملی بصورت مجموعه‌ای از تکنیک‌های کاربردی و میدانی مطرح گردید. کاربرد روش ارزشیابی مشارکتی روستایی مستلزم چند تحول اساسی در رفتار حرفه‌ای پژوهشگر در جوامع روستایی است که در شرایط کلی این تحول‌ها از رویکرد سلطه (رویکردی بسته)، به تسهیلگری^۱ و رویکرد باز است. علاوه بر این، در روش‌های خاصی که مورد استفاده دست اندرکاران و کارگزاران توسعه روستایی قرار می‌گرفت، تغییراتی رخ داد که در قالب یک فرایند می‌توان این تغییرات را از مصاحبه‌های فردی، ارتباط کلامی، سنجش و اندازه‌گیری مطلق‌ها و میانگین‌ها به بحث گفتگوهای گروهی، استفاده از نمودارها و تصویرها، مقایسه روابط و یافتن گوناگونی‌ها و تفاوتها ملاحظه نمود. به عنوان یک فرایند، روش‌های مورد استفاده نه تنها به تحلیل اطلاعات می‌انجامد، بلکه مشارکت و دخالت فعالانه مردم را دربر دارد که باعث شکل‌گیری اعتماد به نفس آنها در توانمندی خود برای تحلیل وضعیتی که در آن زندگی می‌کنند، می‌شود. در ساختارهای تصمیم‌گیری مبتنی بر سلسله مراتب سنتی در برنامه‌های توسعه روستایی جریان آراء و نظریه‌ها از بالا به پایین بود، در حالی که این فرایند در روش ارزشیابی مشارکتی مبتنی بر فراگیری پویا و باز خورد^۲ پیوسته و مستمر است.

در اواخر دهه ۱۹۸۰، این روش تنها در جوامع روستایی چند کشور جنوب آسیا و شرق آفریقا مورد استفاده قرار گرفت و تحلیل و ارزیابی آن بطور عمده توسط سازمانهای غیردولتی^۳ انجام می‌شد. اما در دهه ۱۹۹۰ گستره جوامعی که مبادرت به استفاده از روش ارزشیابی مشارکتی نمودند روبه افزایش گذاشت و سازمان‌های مختلفی از این شیوه در تدوین برنامه‌های خویش استفاده کردند بطوریکه در حال حاضر کاربرد این روش در مناطق روستایی و شهری بسیاری از کشورها توسط سازمانهای غیردولتی، نهادهای محلی و ملی، دانشگاهها و مراکز علمی، سازمانهای برنامه‌ریزی، موسسات

۱. Facilitating

۲. Feedback

۳. Non-Governmental Organization

نظارت و ارزیابی رواج دارد. از سوی دیگر حوزه‌هایی که روش ارزیابی مشارکتی در آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد، متنوع و در حال افزایش هستند که از آن جمله می‌توان به مدیریت منابع طبیعی، زراعت، دامپروری، جنگلداری، آبیاری، زهکشی، حفاظت آب و خاک، برنامه‌های فقرزدایی، بهداشت و سلامت، توسعه شهری، سوادآموزی بزرگسالان، مسایل مربوط به پناهندگان و آوارگان، تحلیل جنسیت، ارزیابی‌های نهادی و فوریت‌های مختلف اجتماعی اشاره نمود.

بطور خلاصه تحولات نظری و روش شناختی طی دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به دستاوردهای نوینی در زمینه شکل‌گیری روش‌های مختلف برخورد با جوامع روستایی انجامید که مهمترین آن تکوین روش ارزیابی مشارکتی روستایی بود. گرچه بکارگیری این رویکرد به موازات شکل‌گیری و گسترش، در تعریف و عمل با دشواری‌هایی نیز مواجه شد اما یکی از کاربردهای روش‌های تحقیق کیفی مانند ارزشیابی مشارکتی در مطالعات زنان و تحلیل جنسیتی^۱ محسوب می‌گردد.

• اصول روش ارزیابی مشارکتی

این روش مانند هر روش پژوهش کیفی دارای اصولی است که تعدادی از این اصول بصورت استنباطی و استخراجی طراحی و تدوین شده‌اند. به این صورت که برخی از آنها توسط پژوهشگران و نیروهای کارشناسی از نحوه رفتار و عمل مردم محلی استنباط گردیده‌اند، مانند مشخص کردن اینکه چه کارهایی توسط مردم محلی و روستایی انجام می‌شود و چه کارهایی انجام نمی‌شود و سپس پرسش در باره چرایی آنها. در اینجا به برخی از اصول و ویژگی‌هایی که در ارزیابی مشارکتی مورد تاکید بیشتری قرار گرفته است، اشاره می‌شود:

وجود تسهیلگر یا کنشگر که از اصول اساسی این روش است.

واژگونه سازی فرایند یادگیری، یعنی آموختن از مردم محلی، بطور مستقیم و

چهره به چهره

۱. Gender Analysis

تغییر روش سخنرانی کارشناسان به نفوذ در عمق مسئله و موضوعات مورد نظر مردان و زنان

بالا بردن سطح اطلاعات کارشناسان. در این روش نوعی تعادل بین آموخته‌هایی از جوامع و مردم محلی و دانسته‌های قبلی آنها برقرار می‌شود. تسهیل کردن^۱: ساده و آسان کردن پیشنهادهایی که توسط مردم محلی ارائه می‌شود، بصورتی که ضمن آموزش پیشنهاد نیز بدهند. این اصل به اصطلاح «دست بالا گرفتن مردم محلی» بیان شده است.

آگاهی و مسئولیت‌پذیری: به این معنا که تسهیلگران بطور آگاهانه با بررسی رفتار مردم محلی سعی کنند رفتار بهتری داشته باشند.

مشترک بودن اطلاعات، عقاید و آراء بین افراد محلی و تسهیلگران.

(Chambers, 1997: 75-78)

• نقش تسهیلگران

چگونگی رابطه تسهیلگران (پژوهشگران) و مردم محلی که از طریق آنها اطلاعات واقعی و درست بدست می‌آید، بسیار حایز اهمیت است. این مجموعه به طور کلی بر سه اصل استوار است:

۱. ایستارها و تلقی‌ها: رکن اول روش ارزیابی مشارکتی طرز نگرش و رفتارهای تسهیلگران در قبال مردم محلی و بومی است که به نحوی در امر مشارکت تأثیرگذارند.
۲. اشتراک^۲: رکن دوم، ایده اشتراک است. بر این اساس وجود جریانی که اطلاعات را از جانب مردم محلی بسوی کارشناسان توسعه منتقل کند، به تنهایی کافی نیست، بلکه ضرورت دارد جریان دو طرفه‌ای از داد و ستد اطلاعات بر مبنای اشتراک نظر شکل گیرد. در واقع، اگر این روش به دنبال اهداف پژوهش، قصد ایجاد توانایی تحلیل در مردم محلی را دارد، اشتراک بین افراد و گروه پژوهشگران

۱. Facilitating

۲. Sharing

نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. این اصل بیشتر در بعد سازمانی مطرح می‌شود که از این طریق همه با هم در تجارب سهیم می‌شوند.

۳. **شیوه‌ها**: رکن سوم را شیوه‌های خاص مورد استفاده برای سهولت در برقراری ارتباط و اشتراک بین مردم محلی از یک سو و کارشناسان توسعه از سوی دیگر تشکیل می‌دهد. این شیوه‌ها بطور عمده تصویری هستند و گروه‌های مردم محلی را تشویق به ترسیم نمودارها و تصاویری می‌کند که منعکس کننده ویژگی‌های خاصی از زندگی آنان است. (Jones, 1997: 14).

برتری خاص این رویکرد در ماهیت دیداری و تصویری بسیاری از تمرین‌هایی است که بکار گرفته می‌شود و از طریق آنها افراد بی سواد نیز مانند با سوادها اجازه مشارکت پیدا می‌کنند. این رویکرد را می‌توان درآمدی بفرایند شناخت و آگاهی از اهداف، دانش درونزا و بومی تلقی کرد.

روش شناسی

ارزیابی مشارکتی روستایی یک مجموعه در حال رشد و رویکردی است که مردم محلی را برای مشارکت در امور خود توانا می‌سازد. همچنین توانایی آنان را در تحلیلی از شناخت زندگی و شرایط خود برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری افزایش می‌دهد. هرچند نام این روش «روستایی» است اما فراگیری روش ارزیابی مشارکتی بیش از آن است که فقط در سطح روستا کاربرد داشته باشد. آنچه می‌تواند در استفاده از این روش در جوامع روستایی و شهری تمایز ایجاد کند، تفاوت در بکارگیری تکنیک‌ها برای شناخت وضع موجود، تحلیل و راهیابی است. به عبارت دیگر اصول، گرایش و شیوه‌های این رویکرد در هر دو جامعه روستایی و شهری ثابت است و اگر برخی از تکنیک‌های این روش بعنوان شیوه‌های مطالعه در جامعه روستایی معرفی می‌شوند. به این دلیل است که پژوهشگران توسعه روستایی برای اولین بار آن را در محیط‌های روستایی بکار گرفته‌اند.

با کاربرد روش ارزیابی مشارکتی گروههای روستایی و شهری می‌توانند اولویتهای خود را مشخص کرده و درباره آینده خود تصمیم بگیرند. در واقع این روش ابزار بسیار ساده‌ای است که از طریق آن افراد غیرمحلّی درباره واقعیت مربوط به زندگی محلی، بیشتر می‌آموزند. در این روش افراد محلی توانایی ارائه اطلاعات و تحلیل‌های خود را آن‌گونه که برای خود آنها معنادار^۱ است کسب می‌کنند و به این ترتیب روند مشارکت آغاز می‌شود. (Chambers, 1997: 27-30)

این روش بر مبنای مشارکت آگاهانه شکل گرفته است و ریشه‌های آن ملهم از پویش‌های پایداری^۲ است که در پارادایم نوین توسعه در بخش توسعه روستایی عصری مهم به شمار می‌آید. روش ارزیابی مشارکتی به هیچ وجه فرایندی خشک و جزمی نیست، بلکه از خصلتی انعطاف‌پذیر برخوردار است که در آن برنامه عمل یا مجموعه‌ای از دستورالعمل‌هایی که الزاماً باید از آنها پیروی شود، وجود ندارد. آنچه که در این رویکرد مطرح می‌شود مجموعه‌ای از ابزار و تکنیک‌های مختلف است که به گروههای کاری کمک می‌کند تا به تحلیل و برقراری ارتباط با مردم محلی بپردازند.

تفاوت‌های عمده بین روش ارزیابی مشارکتی با سایر روش‌های پژوهش که غالباً استقرایی هستند، در این است که در روش تحقیق‌های کمی و سنتی، پژوهشگر بیرونی (خارج از روستا) می‌پندارد که «ما» - کارشناسان - حاکم و مسلط بر تحقیق هستیم، برنامه کار را «ما» تعیین می‌کنیم، اطلاعات را جمع‌آوری، سازماندهی و تحلیل می‌نماییم، برنامه‌ریزی و گزارش تهیه می‌کنیم. همچنین «ما» آمده‌ایم اطلاعات را متعلق به خود کنیم. «ما» در طی زمان، گردآورنده اطلاعات و تولیدکننده خروجی‌های آن هستیم. اما در این روش ویژگی‌ها بطور کامل متفاوت است. در این روش «ما» پیشتر می‌رود و «آنها» - مردم - به عنوان تعیین‌کننده برنامه کار، ارایه دهنده و تحلیل‌کننده اطلاعات تعریف می‌شوند. به عبارت دیگر فعالیت‌های کارشناسان صرفاً برای دور هم جمع شدن و سازماندهی «آنها» - مردم - برای کمک در استفاده از روش‌ها و آماده

۱. Meaningful

۲. Sustainability

کردن مردم برای انتخاب بهترین شیوه است. در ارزیابی مشارکتی «ما» - پژوهشگران - تنها مراقب هستیم، گوش می‌دهیم و می‌آموزیم. سپس کارهایی که «ما» بطور کلیشه‌ای انجام می‌دهد، «آنها» - مردم - در عمل و بطور واقعی انجام می‌دهند. در این روش «آنها» نقشه و مدل می‌سازند، مشاهده، تحقیق، مصاحبه، تحلیل و برنامه‌ریزی می‌کنند و بیشتر در معرض تحقیق قرار می‌گیرند، «آنها» صاحب اطلاعات هستند و آن را حفظ می‌کنند. مردم با قدرت دوره‌هایی را برای اجرا تعیین نموده و سپس برنامه‌ای را که اجرا کرده‌اند، کنترل و ارزیابی می‌کنند. پس شاهد فرایندی از مرحله تولید فکر و اطلاعات تا برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل و ارزیابی برنامه توسط «آنها» - مردم - هستیم. در این روش، مشارکت مردم و حضور آنها در قسمتی از ارائه، کاربرد و گاهی اوقات انتخاب شیوه‌ها نقش اساسی دارد. (Chambers, 1997: 53-54)

معرفی طرح

در این بخش تجربه‌ای از کاربرد یکی از روش‌های پژوهش کیفی در مطالعات زنان روستایی ایران مبتنی بر یافته‌های استفاده از روش ارزیابی مشارکتی روستایی ارائه می‌شود. این طرح با هدف آشنایی بیشتر با توانایی زنان روستایی و ارتقاء توانمندی آنها برای مشارکت در امور جامعه از طریق برگزاری مباحث گروهی^۱ در منطقه گرمسار انجام شده است.

با توجه به شرایط جغرافیایی و طبیعی روستاهای منطقه، مباحث گروهی در دو نوبت با نام گروه «رامه»^(۱) و «لاسجرد»^(۲) و هریک به مدت سه روز اجرا شد. با در نظر گرفتن مشابهت روش‌ها، مشارکت کنندگان و مهمتر از آن، با توجه به روش تدوین برنامه یکپارچه آبخیزداری^۲ اطلاعات بحث‌های گروهی بصورت تلفیقی و با دیدگاه تحلیل جنسیتی ارائه می‌شود.

۱. Discussion Groups

۲. Integrated Watershed Management

۱. گروه هدف

گروه هدف را همان شرکت کنندگان در بحث‌های گروهی تشکیل می‌دادند که

پنج گروه زیر را شامل می‌شوند :

الف. حدود ۶۰ نفر زن و مرد روستایی (تقریباً ۵۰٪ زنان) در هریک از گروهها شرکت داشتند. مردها نمایندگان منتخب روستاها بودند، اما زنها بطور داوطلبانه و با تشویق تسهیلگران و کارشناسان محلی شرکت کردند. زنان شرکت‌کننده در هر دو گروه از نظر سنی و سطوح آموزشی تفاوت داشتند. برخی جوان و با تحصیلات دبیرستانی و تعدادی سالمند و بی‌سواد بودند. از نظر شغلی زنان، خود را «خانه‌دار» می‌نامیدند ولی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در اغلب فعالیت‌های کشاورزی هم مشارکت داشتند. بنابراین در زنان از یک گروه خاص اجتماعی یا اقتصادی نبودند. (گروههای مختلط)^۱

ب. کارشناسان و مسئولان محلی

پ. کارشناسان و مدیران ملی

ت. تعدادی دختر و پسر دانش‌آموز همراه مادرانشان در گروه «رامه» شرکت داشتند و یک گروه نوجوان را تشکیل داده بودند. این نوجوانان با علاقه بسیار زیادی در انجام اغلب تمرین‌های گروهی شرکت داشتند.

ث. تسهیلگران پروژه مشارکت زنان : در گروه «رامه» تعداد زنان و دختران جوان و با سواد بسیار زیاد بود و نیازی به کمک تسهیلگران برای ترسیم نقشه‌ها و یا نوشتن نظرات آنها نبود. اما در گروه «لاسجرد» برای دو گروه از زنان به دلیل بی‌سوادی کمک‌های لازم همراه با توضیحات اضافی فراهم گردید.

۲. روش‌های گردآوری اطلاعات

روش‌های گردآوری اطلاعات بکار گرفته شده بطور خلاصه ارائه می‌شود :

۱. Mixed Groups

- ♦ **سوالات تا حدی هدایت شده^۱** : در این روش فهرستی از مسائل کلیدی توسط تسهیلگران براساس اطلاعات گردآوری شده از پیش، تعیین شده بود. در طرح موضوعات و پی‌گیری آن انعطاف‌پذیری کامل رعایت شد و درباره سوالات باز و متناسب با شرایط زمانی و مکانی گفتگوهای دو یا چند نفره صورت گرفت.
- ♦ **نقشه‌کشی مشارکتی^۲** : برای آغاز مشارکت کارگروهی و کاربرد اطلاعات ارائه شده در تمرین‌های بعدی نقشه منابع روستا^۳ توسط زنان و مردان (بطور جداگانه) رسم شد.
- ♦ **روند تاریخی^۴** : از این روش برای شناخت میزان آگاهی زنان روستایی نسبت به تغییرات حاصل شده در منابع طبیعی و عوامل محیطی استفاده شده است.
- ♦ **روش پیوند^۵** : با استفاده از این روش فعالیت‌های زنان روستایی، مکان انجام این دسته از فعالیت‌ها شناخته شده و بکارگیری اطلاعات بدست آمده تفکیک نقش‌های جنسیتی صورت گرفت.
- ♦ **روش نمره‌دهی^۶** : برای شناخت مشکلات روستا از دیدگاه زنان و بیان اهمیت نسبی این مشکلات در مقایسه با سایر موارد، این تکنیک مورد استفاده قرار گرفت.

۳. فرایند بحث‌های گروهی

در جریان بحث‌های گروهی، زنان در سمت راست سالن اجتماعات و مردان در سمت دیگر آن نشسته بودند. برای گفتگو زنان به محل دیگری (نمازخانه) می‌رفتند و با آسودگی بیشتر به بحث می‌پرداختند، سپس نماینده انتخابی هر گروه نتیجه بحث را به جمع (مردان و زنان) ارائه می‌داد. زنان هر روستا تشکیل دهنده یک گروه بودند این روال تا پیش از مرحله پایانی بحث‌ها ادامه داشت.

۱. Semi-Structured
۲. Participatory Mapping
۳. Resource Map
۴. Historical Matrix
۵. Linkages of Farm & Activities
۶. Matrix Scoring

در آخرین مرحله از مباحث گروهی که تعیین مشکلات روستا و درجه اهمیت آنها بود، در گروه «رامه» زنان روستایی برای انجام گفتگو با مردان به صورت مشترک اعلام آمادگی نمودند ولی در گروه «لاسجرد» فقط یک گروه چنین پیشنهادی دادند.

۴. مهمترین یافته‌ها

با در نظر گرفتن هم زبانی و درک مشترک زنان از مسائل هر روستا. طرح مشترک مشکلات و نیازها توسط زنان روستایی و با توجه به شرایط فرهنگی - اجتماعی زنان در ارتباط با کل جامعه روستایی، چهار محور بحث و گفتگو طراحی و اجرا شد که مهمترین یافته‌های هر یک از بحث‌ها همراه با توضیحی کوتاه ارائه می‌شود.

۴-۱. شناخت زنان روستایی از شرایط محیطی

اولین هدف این پژوهش گردآوری مجموعه اطلاعاتی بود در مورد میزان شناخت زنان روستایی از وضعیت محیط پیرامونی و آگاهی آنها از دلایل بوجود آمدن شرایط کنونی.

علاوه بر نیاز پژوهشگر به این داده‌ها، میزان آگاهی زنان و مردان ساکن آن منطقه نسبت به شرایط محیطی می‌تواند در ارتباط با نحوه بهره‌برداری مردم از امکانات و تلاش آنها در جهت رفع محدودیت‌ها موثر باشد.

آگاهی زنان و مردان روستایی از تغییرات و تحولات منابع طبیعی، آب، خاک، مراتع و فعالیت‌های اقتصادی (زراعت، باغبانی و دامداری) می‌تواند مشخص کننده نحوه رفتار، چگونگی فعالیت و در نهایت تاثیر ساکنان منطقه بر منابع محلی باشد.

بدین ترتیب در یک بحث گروهی از زنان و مردان خواسته شد تا نقشه روستایی را که در آن زندگی می‌کنند، ترسیم نمایند. همچنین از آنان خواسته شد روی نقشه هرآنچه را که به نظرشان مهم است، مشخص نمایند. ترسیم نقشه توسط زنان و مردان روستایی، میزان آگاهی آنها را از پیرامون خود نشان می‌دهد:

زنان روستایی در ترسیم نقشه‌ها بیشتر به منابع و تاسیسات داخل روستا توجه داشتند در حالیکه مردان، نقشه روستای خود را در ارتباط با سایر روستاها ترسیم کردند. مکان شیرآب و فاصله آن تا منازل در یکی از روستاها توسط زنان تعیین گردید. محل امامزاده، مسجد، مدرسه، مزار و حمام تقریباً در تمامی نقشه‌ها مشخص شده بود.

مراعات با عنوان «کوهها» برای چرانیدن گوسفندها توسط یک گروه رسم گردید. مسیر رودخانه که در عین حال راه ورودی به روستاهاست، توسط همه گروهها مشخص شد.

زنان روستایی به درجه‌ای از شناخت رسیده‌اند که تشخیص می‌دادند روستای آنان دارای منابع غنی و وسیعی است اما استفاده نادرست از منابع آبی و چشمه‌های موجود، کم آبی روستا را تشدید کرده است. این درجه از شناخت و آگاهی زنان نسبت به منابع موجود در روستا، دارای اهمیت بسیاری است.

اکثر زنان روستایی نسبت به منابع آبی روستای خود شناخت کافی داشتند بطوریکه معتقد بودند نسبت به زمین زراعی و باغی روستا آب به میزان مناسب و حتی در برخی موارد بیشتر از میزان مورد نیاز وجود دارد.

زنان روستایی اذعان داشتند که از مراعات و پوشش گیاهی استفاده درست بعمل نمی‌آید. زنان روستایی استعدادهای منطقه را جهت انجام فعالیت‌هایی مانند زنبورداری، پرورش ماهی قزل‌آلا، خشک کردن گیاهان دارویی، نهال کاری، گردو کاری و حتی پرورش گیاهان گلخانه‌ای بسیار مناسب می‌دانستند.

پس از ترسیم نقشه روستا و تعیین مکان و موقعیت مهمترین منابع و تاسیسات روی نقشه توسط زنان روستایی، از آنها خواسته شد تغییرات بوجود آمده در روستای خود را - شامل تغییرات مثبت (افزایش) و یا منفی (کاهش) - طی ۱۵ تا ۲۰ سال گذشته مشخص نمایند. علاوه بر این از آنها خواسته شد تا دلایل تغییر و همچنین چگونگی ایجاد تغییر را در صورتی که اطلاعی از آن دارند، بیان کنند. در انجام این

جدول شماره ۱. یافته‌های مربوط به شناخت و آگاهی زنان روستایی از منابع طبیعی

و محیط پیرامونی

موضوع	نوع تغییر	دلایل تغییر	چرا و چگونه؟
جاده	+	از مالرو به خاکی تبدیل شده، از مالرو به وسیله نقلیه، جاده در محل درست شده است.	مردم می‌خواستند کماکان در روستا زندگی کنند و با کمک جهادسازندگی توانستند پلی بر روی رودخانه بسازند.
آب آشامیدنی*	- +	از چشمه‌ها به جاده لوله کشی شده است، قبلاً از آب تلخ رودخانه استفاده می‌شد اما زمستانها لوله‌ها یخ می‌زد و آب قطع می‌شد.	مسافت چشمه تا روستا طولانی بود.
آب‌کشاورزی	-	کمبود آب کشاورزی بخاطر کم شدن باران	به علت خشکسالی
برق	+	قدرت تامین هزینه شیشه چراغ را نداشتند و تمایلی هم به استفاده از چراغ‌های نفت‌سوز نبود	راحت‌تر شده‌اند بخصوص که سوخت نیز گران شده است.
حمام	+	خزینه به دوش تبدیل شد	برای جلوگیری از بیماریها و نظافت بهتر
زمین مزروعی	+	زراعت به درختکاری تبدیل شد	به علت نداشتن امکانات از قبیل تراکتور، کمباین و... درختکاری بهتر است.
مسکن	+	خشت به سنگ و آجر تبدیل شد	با وام‌های داده شده، مسکن بادوام‌تر در برابر سیل، باران و زلزله ساخته شد.
مدرسه	- +	محلی برای باسواد شدن بچه‌ها اما دوره راهنمایی و بالاتر برای ادامه تحصیل دانش آموزان وجود نداشت	دولت و مردم به دلیل نبود امکانات، اقدامات لازم را به عمل نمی‌آورند.
کانال کشی	+	از جوی آب به کانال	به علت هدر رفتن و کمبود آب لازم بود
استفاده از گاز	+	با خرید هر کپسول به قیمت ۳۰۰ تومان آشپزی راحت‌تر شده است	
وسایل کشاورزی	+	استفاده از تراکتور بجای گاو	
لایروبی	-	جوان‌ها برای پاک کردن سیل‌گیرها حضور ندارند	
باغ‌ها	-	درخت‌ها خشک شد	بچه‌ها رفته‌اند و خانواده‌ها فرصت آبیاری ندارند
بیلاق	-	آب کم شده و خانه‌ها نیز خراب شده است	
تهیه ذغال	-	قبلاً خود روستائیان درست می‌کردند اما دیگر این کار را نمی‌کنند	
مهاجرت	-	افزایش جمعیت، بیکاری، نداشتن امکانات رفاهی	
بهداشت	- +	پزشک هفته‌ای یکبار به روستا می‌آید، در حالیکه مردم روستا از نظر امکانات بهداشتی ضعیف هستند و دولت به آنها کمک نمی‌کند.	ساخت درمانگاه نیمه تمام مانده است.
مخابرات	+	برای هماهنگی کارها نیاز به برقراری ارتباط با فرزندان در سمنان بود	

* در برخی موارد تغییرات مثبت بوده است و در برخی زمینه‌ها منفی

بحث گروهی زنان روستایی مسن در روستاهای چهار طاق و رامه پایین، علاقه و انگیزه بیشتری برای گفتگو از خود نشان می‌دادند و نقش فعالتری داشتند. گروه دختران جوان روستای «رامه بالا» و برخی دیگر از روستاها به دلیل اینکه سالهای زیادی را پشت سر گذاشته بودند، از مشارکت در بحث خودداری کردند.

- مهمترین یافته‌های این بحث بطور خلاصه^۱ عبارتند از:
 - ◆ در مجموع موارد بیان شده، تغییرات مثبت در تاسیسات و زیربنای چشمگیر بود.
 - ◆ بسته شدن مدارس به دلیل تخلیه روستاها و مهاجرت مردم بطور مشخص عنوان شد.
 - ◆ موضوع کانال کشی برای جلوگیری از هدر رفتن آب که فقط در روستای «چهارطاق» انجام شده بود مطرح گردید.
 - ◆ به نقش دولت (وزارت جهاد سازندگی) در ایجاد تغییرات مثبت از نظر امکانات زیربنایی (مانند جاده، برق و...) اشاره شد.
 - ◆ در برخی از موارد تغییرات منفی را زنان روستایی ناشی از عدم اقدام دولت می‌دانستند.
 - ◆ تغییرات منفی منابع آبی (آشامیدنی و کشاورزی) به روشنی مطرح گردید و درباره آن با علاقمندی صحبت شد.
 - ◆ بحث زنان درباره سیل، دلایل وقوع و خسارات ناشی از آن کاملاً قابل توجه بود.
 - ◆ زنان روستایی به منابع تولید و فعالیت‌های اقتصادی توجه کامل داشتند.

۴-۲. شناخت فعالیت‌ها

زنان روستایی به عنوان یکی از دو بازوی تولید در فعالیت‌های واحد بهره‌برداری کشاورزی در مراحل مختلف آن نقش اساسی دارند. به عنوان یکی از عوامل مهم

۱. برای اطلاعات بیشتر به جدول شماره ۱ مراجعه شود.

حرکت چرخ زندگی خانواده وظایف خانه داری، نگهداری و تربیت کودکان و همچنین تولیدات خانگی را برعهده دارند. نقش زنان روستایی در تامین نیروی کار کاملاً پذیرفته شده و مورد تأیید است. ولی اینکه زنان روستا بطور مشخص در چه مراحل از تولید، در مورد چه محصولی، به همراه چه کسی و چگونه فعالیت می کنند، در تدوین و اجرای یک برنامه توسعه اهمیت خاصی دارد. در واقع شناخت نقش زنان و مشخص نمودن موقعیت آنان و تثبیت پایگاه اجتماعی در خور این نقش، در هر برنامه توسعه روستایی ضروری است.

همچنین شناسایی چگونگی تقسیم کار بر مبنای جنسیت در فرهنگ‌های مختلف لازم است. برخی از فعالیت‌ها را زنان به تنهایی و یا در کنار همسرانشان انجام می دهند، برخی دیگر در صورت عدم حضور و غیبت مرد از خانواده به زن‌ها واگذار می شود. بدین ترتیب بدست آوردن تصویری روشن از تقسیم کار جنسیتی با طرح پرسش و پاسخگویی به آنها در مورد کار زنان و مردان و محل انجام این فعالیت‌ها به پر رنگ شدن اطلاعات کلی که در ذهن اکثریت افراد جامعه روستایی در مورد نقش زنان وجود دارد، کمک کرده و زنان را نسبت به مسئولیت‌هایی که طی سالها پذیرفته و انجام داده‌اند حساس می نماید. آگاهی نسبت به حجم کار مفید انجام شده و تأیید دیگران در مفید بودن این فعالیت‌ها، موجب خودباوری، اعتماد به نفس و رضایت خاطر زنان می شود.

چگونگی ارتباط فعالیت و مکان انجام آن در جدول شماره ۲ با هدف مشخص کردن نقش‌های جنسیتی نشان داده می شود. گرچه میزان فعالیت و ارتباط زنان روستایی با منابع طبیعی محور بحث بود، اما تحلیلگران با توجه به انعطاف پذیری روش کار (با رعایت چارچوب کلی) اجزاء و تفکیک مطالب را خود انتخاب کردند.

افزون بر شناخت نوع فعالیت‌ها و تفکیک نقش‌های جنسیتی، کسب مجموعه اطلاعاتی در مورد انواع همیاری، میان زنان و مردان در ارتقاء سطح آگاهی زنان نسبت به توانایی‌های خود و اثر گذاری بر فعالیت‌های جامعه‌ای که در آن زندگی می کنند، بسیار مفید است. شناخت انواع تشکلهای غیررسمی زنان، کارکرد این تشکلهای در

مدیریت منابع جامعه روستایی و جلب توجه همه افراد به این همیاری‌ها، به نحوی شکل و میزان همبستگی میان اعضاء جامعه را می‌تواند مشخص سازد.



جدول شماره ۲: زنان روستایی چه می‌کنند و چه کارهایی را در کجا انجام می‌دهند؟

محل	نوع فعالیت	مرد	زن
۴۰	لباس شستن، ظرف شستن و پختن غذا	-	+
	آب آوردن	+	+
	جارو کردن و نظافت کل منزل	-	+
	پختن غذا	-	+
	هیزم جمع کردن	+	+
	خرید مواد مصرفی منزل	+	+
	نگهداری، شیردادن و غذادادن به بچه	-	+
	واکسیناسیون به موقع بچه	+	+
	رسیدن به وام‌های خانگی	-	+
	نخ ریسی از پشم گوسفندان	-	+
	خرید وسایل مدرسه بچه و شرکت در جلسات مدرسه	-	+
	کاشت درختچه و جمع‌آوری محصول	+	+
۴۱	بیل زدن، شخم زدن، آبیاری و پیوند زدن	+	-
	خشک کردن محصولات، جمع‌آوری علفهای هرز و وجین کردن	+	+
	سم پاشی درختان	+	-
	گرفتن شیره از توت و دود دادن برگه	-	+
	چیدن علفهای هرز و وجین، کاشت سیب‌زمینی، گوجه فرنگی و لوبیا	+	+
مزرعه	جمع‌آوری محصول، بذر پاشی، کود دادن، سمپاشی	+	+
	آبیاری و شخم زدن با تراکتور و فروش محصولات	+	-
	بردن نان، غذا و آب به مزرعه	-	+
	چرای دام و بردن گوسفندان به طویله	+	-
آغل دامداری	دوشیدن شیر و تهیه لبنیات	-	+
	پروراندن دام	+	+
	ریختن علوفه برای گوسفند و بردن گوسفندان به صحرا	+	+
	بهداشت محل دام	-	+
	گرفتن پشم	+	-
	تمیز کردن پشم و گلیم بافی	-	+
	فروش و خرید دام	+	-
		-	+

■ موارد همیاری

با هدف شناخت چگونگی همیاری‌ها میان اهالی روستا و نقش زنان روستایی در فعالیت‌های جمعی چندین بحث گروهی صورت گرفت. از زنان روستایی خواسته شد علاوه بر مشخص کردن موارد، چگونگی انجام این همیاری‌ها را توضیح دهند. در این راستا آنهایی که می‌توانستند و اطلاعات لازم را داشتند به این درخواست پاسخ مثبت دادند. در جدول شماره ۳ به مهمترین یافته‌های این بخش اشاره می‌شود:

■ تقسیم کار جنسیتی

- ◆ برای شناخت تقسیم کار جنسیتی و محدودیت‌های موجود بحث دیگری در یگ گروه با زنان و مردان روستایی انجام شد. در این گفتگو از مردان خواسته شد در حضور زنان سه مورد از فعالیت‌هایی را که زنان روستایی نمی‌توانند انجام دهند، نام ببرند. همین سوال برای زنها نیز مطرح گردید، که جوابها چنین بود:
 - ◆ مردان روستایی دلیل عدم توانایی زنان را در انجام برخی از کارها (مثل بنایی، شخم زدن) بیشتر ناشی از ضعف جسمی و فیزیکی زنان می‌دانستند.
 - ◆ زنان روستایی انجام ندادن برخی از فعالیت‌ها توسط مردان، بیشتر در آداب و رسوم و پذیرش نقش‌های جنسیتی توسط زنان مطرح کردند.
 - ◆ مردان روستایی گروه «رامه» معتقد بودند مردها تمام کارهایی را که زنان انجام می‌دهند، می‌توانند انجام دهند جز شیر دادن به بچه.
 - ◆ مردان روستایی گروه «لاسجرد» حاضر نشدند بپذیرند که قادر به انجام کارهای زنان هستند. به نظرمی رسید پذیرش این مسئله برای آنها افت پایگاه اجتماعی تلقی می‌شد.
 - ◆ زنان روستایی معتقد بودند مردها تمام کارهایی را که زنان انجام می‌دهند می‌توانند انجام دهند، ولی از انجام آن خودداری می‌کنند.
- به این ترتیب ملاحظه می‌گردد زنان در زمینه چگونگی فعالیت در جامعه روستایی بخصوص با مردان روستا، پایه پای آنان در اکثر رشته‌های تولیدی و اقتصادی روستا و مرتبط با خانواده حضوری فعال و تعیین کننده دارند، تنها آنجا نقش زنان روستایی کم

جدول شماره ۳. مشارکت و همیاری‌های زنان روستایی

نوع فعالیت	زن وشوهر با هم	زنان با هم	مردان با هم	همه اهالی
پختن نان	-	+	-	-
برداشت زغال و درست کردن برگه آن	-	+	-	-
تغییر قنات و چشمه و بستن نهر آب	+	-	+	-
چیدن بونجه	+	+	-	-
دوشیدن شیر	+	+	-	-
تامین آب آشامیدنی	-	-	+	+
چیدن لوبیا	+	+	-	-
پاک کردن و آسیاب گندم	-	+	-	-
رشته بری	-	+	-	-
ساخت پل و جاده	-	-	+	-
خشک نمودن محصولات و دودی کردن آنها	+	+	-	-
آوردن آب آشامیدنی	-	+	+	-
تهیه لبنیات	-	+	-	-
وجین علفهای هرز	+	+	-	-
نشاء کاری	+	+	-	-
صنایع دستی (گلیم)	-	+	-	-
عمران محل	-	-	+	+
فروش محصولات	-	-	+	-
برگزاری مراسم مذهبی	-	-	+	-
جمع‌آوری محصولات کشاورزی	+	+	-	-
درست کردن جوی آب و ایجاد مسیل	-	-	+	-
تشکیل جلسات برای رسیدگی به روستا	-	-	+	-
غبار رویی و تمیز کردن مسجد و امامزاده	-	+	-	-
تعمیر مسجد و امامزاده	-	+	-	-
برپایی جلسات دعا در مساجد	-	+	-	-
جمع‌آوری گیاهان دارویی	-	+	+	-
چرای دام در مراتع	-	-	+	-
امور کشاورزی	-	-	+	-
تعمیر شکستگی لوله آب، خرابی آب بند	-	-	+	-
عزاداری امام حسین (ع)، مجالس عروسی	+	-	-	-
درست کردن رب گوجه فرنگی	-	+	-	-
مسئولیت خانه	-	-	+	-
جابجایی محصولات سنگین کشاورزی	-	+	-	-
تمیز کردن منبع آب و بستن نهرهایی که در اثر سیل خراب شده‌اند	+	-	-	-
شخم زدن و بذریاشتی	-	-	+	-
باغداری	-	-	+	-
شیر فرض دادن	-	-	+	-
چکنه (گوسفندها را دسته‌جمعی به چرا بردن)	-	-	+	-

رنگ می‌شود که عامل قدرت جسمی و فیزیکی مردان روستا مطرح می‌گردد. شاید عامل دیگری که می‌تواند در روستا نقش و حضور زنان روستایی و زمینه همیاری آنان را در ارتباط تنگاتنگ با فعالیت مردان کم‌رنگ‌تر نماید، وجود برخی ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه روستایی و ضد ارزش بودن انجام برخی کارها توسط زنان روستایی باشد.

۳-۴. شناخت فرایند تصمیم‌گیری

تدوین پروژه‌های توسعه با مشارکت اعضاء یک جامعه، شناخت رابطه میان نظام اجتماعی و تصمیم‌گیری‌ها و چگونگی جریان تصمیم‌گیری‌ها در جامعه مورد بررسی از موضوعات اساسی است. زیرا میزان آمادگی افراد برای تصمیم‌گیری‌های جمعی متأثر از تجربیات گذشته، هنجارهای موجود و ... می‌تواند موجبات موفقیت یا شکست یک پروژه را پدید آورد. به همین منظور جلسه بحث گروهی طراحی گردید.

از شرکت کنندگان خواسته شد که تجربه یک تصمیم‌گیری جمعی را در گذشته توضیح دهند و مواردی را شامل موضوع تصمیم‌گیری، افراد شرکت کننده، نتیجه تصمیم‌گیری و نقش زنان را مشخص کنند. مهمترین یافته‌ها عبارت بودند از:

- ♦ تجربه‌های بازگو شده بیشتر در زمینه تامین نیازهای اساسی روستا مثل لوله کشی آب، احداث برق و تاسیس ساختمانهای مذهبی (مسجد و حسینیه) بود.
- ♦ در برخی از روستاها زنان روستایی شرکت کننده در کارگاه جوان بودند و هیچ موردی از کار جمعی را تجربه نکرده بودند.
- ♦ در یک مورد به نقش زنان در انجام کار «انتقال لوله» اشاره شد که کار جمعی مربوط به سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بود.
- ♦ زن‌ها در هیچ یک از تجربه‌ها در مرحله تصمیم‌گیری حضور نداشتند و مشارکت آنها محدود به ایفای نقش‌های جنسیتی (پختن نان، تهیه غذا و ...) برای کارگران می‌شد.
- ♦ در یک مورد (لاسجرد) که زنان آمادگی مشارکت در اجرای کار را داشتند، مردها اجازه نداده بودند.

♦ دختران نوجوان تنها کسانی بودند که به کانال کشی آب روستا به عنوان یک کار گروهی اشاره داشتند. در تجربه این گروه از متخصصان جهاد سازندگی برای انجام کار دعوت شده بود که نکته مهمی است. علاوه بر این، اهمیت آب و آبیاری و کانال کشی برای جلوگیری از هدر رفتن آب به وضوح مورد تأکید همه قرار گرفت.

۴-۴. شناخت نیازها و مشکلات

پایداری یک نظام اجتماعی تا حد زیادی وابسته به این است که تا چه میزان نیازهای انسانها در این جامعه ارضاء و مشکلات آن رفع می شود، برای ارضاء نیازها سؤالهای اساسی که مطرح شد عبارت بودند از:

- ♦ انسان به چه چیزی نیاز دارد؟
 - ♦ تحت چه شرایطی نیازها در یک نظام اجتماعی بوجود می آید؟
 - ♦ چگونه می توان نیازهای جامعه را شناخت؟
- به همین منظور بحثی طراحی گردید که در آن از زنان روستایی خواسته شد تا نیازهایی را که فکر می کنند مربوط به روستای آنان است، مشخص نمایند. پس از اتمام این بخش، از آنها خواسته شد که نیازها را براساس اولویت شماره گذاری کنند.

جدول شماره ۴. شناخت نیازها، مشکلات و اولویتها حاصل نظر مشترک زنان با مردان

نوع نیاز	درجه اهمیت	توضیحات
آب زراعی	۱	هرز رفتن آب، مناسب نبودن جویهای آب و نداشتن سد و سیل بند
جاده	۲	به علت خاکی بودن جاده حمل و نقل محصولات کشاورزی به صرفه نیست
نداشتن شغل دوم در کنار کشاورزی	۳	به علت بیکار بودن کشاورزان در ۶ ماه از سال، اگر بطور مثال شغل دومی مانند دامداری یا مرغداری برای این کشاورزان ایجاد شود با پشتکار بیشتری به شغل اول می پردازند
آب آشامیدنی	۴	دور بودن سرچشمه و سیل گیر بودن در مسیر لوله، زیاد بودن مسافت چشمه آب آشامیدنی تا روستا و لوله کشی های ناقص مشکلاتی ایجاد می کند
بهداشت	۵	به علت کمبود امکانات بهداشتی (روستاهای مورد نظر فاقد مرکز بهداشت هستند) اگر موردی پیش آید فاصله زیاد روستا تا شهر باعث مشکلات برای افراد روستا می شود

قابل ذکر است که این بخش در دو مرحله انجام شد. ابتدا از زنان روستایی خواسته شد که مهمترین مشکلات روستای خود را طرح کنند و در مرحله بعد به مشکلات نمره بدهند و اولویت بندی کنند. پس از طرح این قسمت و توضیح چگونگی انجام آن به پیشنهادی از طرف زنان «رامه» عنوان شد که بهتر است این بحث را با مردها بصورت مشترک انجام دهند و علت این کار را مشترک بودن مشکلات روستایی دانستند.

ملاحظه می شود که زنان روستایی به خوبی مشکلات روستا و محیط پیرامون خود را شناخته و طرح می کنند، همچنین راهکارهایی نیز در برخی موارد ارائه می دهند. زنان روستایی مساله آب آشامیدنی و زراعی را از مهمترین مشکلات روستاها نام برده اند.

• نتیجه گیری

برگزاری چندین بحث گروهی خاص زنان روستایی با استفاده از روش پژوهش مشارکتی، دستاوردهای بسیاری را به همراه آورده است. پژوهش حاضر نشان داد که روش های کیفی در برخی موضوعات اجتماعی و بطور خاص مطالعات جنسیتی و زنان بسیار کارآمد و موثر هستند. زیرا بخشی از اطلاعات و نتایج حاصل شده را می توان با روش های شناخته شده در تحقیقات اجتماعی بدست آورد، اما ارتقاء آگاهی های زنان و تمرین مشارکت و طرح مسائلی که به ندرت در پرسشنامه قابل پیگیری است، از نتایجی است که در روش های کمی بدست نمی آید.

شناخت زنان از مسایل روستایی که در آن زندگی می کنند و آگاهی نسبت به منابعی که در اختیار دارند و نحوه بهره برداری از آن، از اهمیت خاصی برخوردار است. شناخت بیشتر زنان روستایی نسبت به انواع یاریگری های موجود و ارتقاء سطح آگاهی آنها نسبت به نقش های خود در خانواده و روستا، ضمن ارائه اطلاعات مورد نیاز هر پژوهش در جامعه روستایی، زمینه ساز مشارکت زنان در فرآیند تصمیم گیری نیز می باشد.

کاربرد روش تحقیق مشارکتی علاوه بر ارائه اطلاعات مورد نیاز برای تدوین یک گزارش نهایی تحقیق به پیشنهاد پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی نیز کمک شایانی می‌نماید. زیرا شناخت عمیق‌تری از نیازها و مشکلات زنان با استفاده از روش مشارکتی و اولویت‌های آنها بدست می‌آید که به جرأت می‌توان گفت این اندازه شناخت از اولویت‌های زنان روستایی شاید با روش دیگری از روش‌های مختلف پژوهش کمی دشوار و در مواردی امکان‌ناپذیر خواهد بود.

بدین ترتیب کاربرد روش ارزیابی مشارکتی علاوه بر ارائه اطلاعات و شناخت دقیق از منطقه و موقعیت زنان روستایی، انواع و چگونگی همیاری‌ها، باعث تحقق توسعه مردم محور و پایدار می‌شود. در نتیجه زنان روستایی که قبل از برگزاری جلسات بحث گروهی پذیرش این نکته را نداشتند که خود می‌توانند منشاء تغییرات اجتماعی بسیاری را فراهم آورند، در روند اجرای بحث‌های گروهی به این نتیجه رسیدند که هم می‌دانند و هم می‌توانند مشارکت نمایند، تصمیم‌گیری کنند، اجرا و نظارت داشته باشند. به نظر می‌رسد یکی از مهمترین دستاوردهای این پژوهش تأکید بر کار آمد بودن این روش در مطالعات زنان بدلیل انعطاف‌پذیری و متجانس بودن آن با فضای فرهنگی و ساختار اجتماعی جامعه ایران است.

پی نوشت

- (۱) شامل روستاهای چهارطاق، رامه بالا، رامه پایین، ده نمک
- (۲) شامل روستاهای لاسجرد، امام زاده عبدالله، ایچ، جوین، عبدالآباد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اوکلی، پیترو و دیوید، مارسون (۱۳۷۰)، **رهیافتهای مشارکت در توسعه روستایی**، ترجمه منصور محمود نژاد، وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- داوری، فرزانه (۱۳۷۷)، «مشارکت، مفاهیم و اصول کاربردی در برنامه‌ریزی»، **اقتصاد کشاورزی و توسعه**.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۵)، «مشارکت مردم در مدیریت»، **مجله جهاد**، وزارت جهاد سازندگی، صفحه ۱۶۲، پاییز.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۸)، «کارگاه آموزشی پژوهشی - مشارکت، نقش زنان در مدیریت منابع طبیعی»، مرکز تحقیقات بیابانی کویری دانشگاه تهران، گرمسار.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۲)، «ارزشیابی مشارکتی»، جزوه درسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
- فروزش تهرانی، غلامرضا، بابک موسوی نژاد و مهدی گنجیان (۱۳۷۷)، «همپای تغییر، مقدمه‌ای بر شناخت و کاربرد روش ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA)»، گزارشی از کارگاه آموزشی، تهران.
- Chambers, Robert (1997), "Rural Appraisal : Rapid, Relaxed and participatory", Institute for Participatory Practices and PRA Division, Actionaid, India.
- Chambers, Robert (1997), *Whose Reality Counts?* London : Intermediate Technology Publications.
- Jones, Carolyn, (1996), "PRA in Central Asia. Kyrgystan" : Institute of Development Studies.
- UNESCO (1986), "Participate in Development".
- World Bank (1975), *Rural Development, Sector Policy Paper*".
- FAO (1995), "How to use Rapid Rural Appraisal (PRA) to Develop Case Study" Rome.